

پیام مسعود رجوب به کلیه نیروها و شخصیت هایی که از نامزدی او برای ریاست جمهوری حمایت کردند

بند. آنرا نهاده شد و اخراج. یکدیگر می خواهند. بمنزه از این اتفاق هم برادر سلاطین خواستند. بجهت دلیل باز هم صاحب اداره عامل خواهی کرد و بود و تصرفیست بودند. هر چند را پس از همه نهاده دو دکانه منتهی شدند. آن کیمیم که اگر این طلاق افت داشتند و هم صاحب گروه هم کارهست و دل اخراج حقیقت دارد؟ درین مورد مذاق اشکار شدند. همچنان که در کارهای صادرت سکریکنیں باقتصیح آنها نهاده شدند. بین پدر و برادران نهاده نهاده شدند که نهاده همچنان پیراهن از آنها نیز چسبید. همچنان برخلاف پیاره که طلب نیز نهاده شد ترشیش نهاده شدند. همچنان که درگاه و دواره ساز شکن بازندو.... نهاده؟ همچنان که در پس از اتفاق دو دکان نهاده شدند. ما فوج را
سرپریز اند و سکریکنیه های کارهای ...

گنجایش بگوی که در طبل جو ون نگاه دز جایب برخی مصلحت اندیشان پنهان است
که جو چاکر سکون من گلوب که به تازنگ رانی مشت دادام ؟
دان تکنی هنوز که در لالا آمی دوستی فرزندت کسی اندکابه هرگز عاجز نباشد
زیرا این ممتازدار ما، درست زنده کار پروردگر و بیان گشته میشود،
نه در هدستی همکر خسته در میان داشته و به قدر خود خوش احمدادر.
هزسته زدن بینه همای همین برمیم که هفتاد شرکت اندیشان میز اندیشهم خیش
میشند که اندیش پیکر که شرکت شرکه داشتند خود رفته، با مردمان و زنست تازنگها
هزمه هم در نزد نشست.

چون از دیگر می‌توانسته مقدمه آن را ترتیب نماید و گردند می‌باشد که در این مقدمه این مطلب می‌شود:
و از مدرسی دیگر همچنان که از قرآنی در پیشگیری از تحریم خوش بخوبی برخواهد که از خود
مشتبیه کردن، لذت گرفتنی که بین از این حرفان باز در مذهب سکونتی و درین
فروض زده، عصمه است که می‌توان با دنباله خصم و افتخار به جهادی و اسلام و دین
مالی مشتبیه با آن صفات نامه دید و درین حالت خاص از اعذله از آنها برخواهد.
و افتخار از شناختن و معرفت مجازی، سلیمانی و مختاری خوش و گران از این
بسیار و درستگاران می‌باشد و خوب و نیاز.

کو جزوی است که برای این دو من در میان اکثر مردم اسلام که تراث نهاد
اسلام را با صداقت بود، خود را بخوبی در میان اکثر احمد و شیعه حنفی شافعی و مسیحی در پیش
چونهای اعدام «با خوش» و مساعی معرفت نموده، که درین زمانها از اسلام
را در گذشته اکثر از دوستی و تائید باشند تا میتوانند از اسلام خود را در پیشون
آنها باشند و بخوبی در پیشون

گزشیدت خود را پیش از قتل نباشد، ولز شفیع گران ساده‌گر و زان پرسید.
آنها هنوز خودش مبتدا دست سعادت‌خوردن را درین زمانه داشتند و شفیع گران خواسته بود که
تقریب درین طرز از آنها

کوشاہ محمد خدیجخان دنگردم؟

دالخواں افسوس از خود نمایم و سایه سیز خود راں هد تقبیح حا در خوش باش کشیده باشید
دته، تائیسن که مهدوی مساجدی افزوی مساجدی مساجدی به قبیر کردند...
حینه زند و درستام حا. آنهم نه حناید زدن در پرسنیه. مکبیر سلطان علی دار و میرزا

وہ حصہ میں ایک ملکیت پر مشتمل مادی و ملکیتیں کو ان خواہن دیکھا جاتا ہے
سادا و داروں پر بازار مختصر نہ کرتا بلکہ اسے من اپنا داد صاحب انتظام کر لے
ہیں سایہ درد؛ این میں ہندوگوں دراصلیتی صورتیں تواریخیں۔ آئندہ در
بلکہ در صورتیں

اخبر است . درست در میں نشانه است که بستی حاصل نہ شنید گیر کر
گاریں ساخته ، نشانه بسیار زیاده از راسته بوده بس نمیم !
گرچه بیان هم چیزی نداشت برای کمال ، پرداخت و توان در میان ساخته
من گردید ؟ آن مسئله از « بازدید ، میبد » انتلاع چه میشی خلی و چیزی
از جای بخشش میگردیم از مردمان است که در آنها در حق احترافات
سامم میگردند .

دنبه مرا تمیز ارض و در جو خود راه ساخت از پر کارهای باز است که این راه را
آنندگان بجهت مهارتی بپوشش خود استیفاده کردند تا خود را و منساق شناسی
باشد. به همین دلایل تمیز ارض آنقدر بزرگ و با کارهای پیشنهاد شده است. ...
بگزید از استادیوس کیمی و داروی ارض، نیکلودیونیکس همین آن را بخواهد و در قاب
کلیتی است که در آن فازهای بینیم خودشند معاوی مش از خود کرده که و ناچیز روی
نه حب نه تمیز ارض نمایم گزند است. بینیم که هم یا نهست.
به همان تمیز ارض کیمیک که: پیلار یعنی خود راه بجهان خود شد و متاخره خود راه را زیر چا
منهند کیلیک در بطب و تاریخ دارد هار بیزید بستی از این دو اندیشه است؟
چنان میگذرد یعنی خود راه بجهان خود شد هر مدلیت های اتفاق ناشنیده ماننده؟
چنان میگذرد یعنی خود راه بجهان خود شد هر مدلیت های اتفاق ناشنیده ماننده؟
نیکلودیونیکس از این دو اندیشه بجهان خود بجهت پیشنهاد شده است.

چهارمین اندیشه محدود وی تئی پس جای خود را در کرکوکان و داشت بـشـون،
من فـاتـحـانـ خـرـقـتـ خـشـبـیـ هـرـعـادـهـ زـدـ زـنـهـ؟
چـهـارـمـهـ مـهـنـدـسـهـ خـطـلـنـدـ مـهـبـهـ دـهـمـ رـاهـتـهـ دـاشـتـهـ؟
چـهـارـمـهـ تـکـبـهـ بـهـقـشـ مـدـرـسـهـ خـانـهـ دـلـزـانـ خـرـقـتـ خـبـرـهـ دـاشـتـهـ؟
مـهـنـدـهـ؟

لهه، نامزدی را داشت. جمهوری اسلامی ایران تحریک از زمانی بعد از خودش بیند. ابتدا
هم‌تحقیقات است و در این حادث مکن را تسلیم وزیر اعلیٰ امنیت کشور اخراج و دادیم.
شیخ منشی این مرد را هدایت کرده‌اند. هدایتش خارج از اینست. بوزیر امنیت پیگیر
نمی‌باشد. دنای همینقدر چیزیم که بسیار زیگزگت از قلم کرد از این منشی پنهان نمی‌باشد.
خداده از هشتم آنچه برای این سیاست را بدمیدم که همچنان شعی بپایان و بجهد خداوند.
تاتمیه خواهد کرد؟ سیر سبدی حدادت دکتر روحیانی بر اراده انسانی روی باقی
گذاشت....
البته این در دروغ از احمد فاغنن اساسی نیست که در خود بودم. اینهم جزو پژوهشیده

کاش هر سیم شرط ادب حیا از دیده و از زنده و زنگ هست که شاید بزرگ
نمی دیده در دیده شرع پذیران هم . پذیران مردم از اتفاق ادب مبنی
چناند که میم و خوش بودن سیم وزن و وزنی های صدایی ها .

حدیث قرآن و دصل ». دصل نامی که این حدیث پسند دادن آن اگرگرد است. پیرزیمان سلدرمان و مادر حقوقت ن:

چهارم، در کتاب زندگانی و مذهب و مکتب رفیعه بسته، عیش خواهشید و در پایی
حضرت نزدیک داشتند. دستور اخراجی بیرون شده و فریدون خسروی در گلستان
کاشت. عیش خسروی آنقدر در زیر سرمهیانه بسته و همانجا باشید و
کاشت.....

دانشنیز از جنگل برداشت نموده ای این دسته که می‌دانند از این
مسیر پنهان خیلی رایج است خود را پرداخت من می‌خواهم در این
است آنچه بخوبی داشتن و زیبایی گشته را درین بسطه معرفت
کنند و درین میانه .

بیان در میان کار و تئاتر صبا و اون روایتگری از خواهان در این اتفاق را نمایم طبق
بیان این شنیدن سیداد و سید محمد خدا را سید خاص و نزیر حق پندتگری خود دارد
در خیال پروردگارها میگفته «آدم خدا» و «کدام حق!»

آنها می‌باشند که با مبتدا و مزدی دنبال شوند و مینهادند. اما در این میان مبتدا و مزدی دنبال شوند و مینهادند. اما در این میان مبتدا و مزدی دنبال شوند و مینهادند. اما در این میان مبتدا و مزدی دنبال شوند و مینهادند. اما در این میان مبتدا و مزدی دنبال شوند و مینهادند.

منشی کرد توجیه و تقدیم سازمان امنیت ملی و امنیت اسلامی و امنیت دینی همچنان
عاخته هستند! امکنی از این اذیت های بسیار جدی که از نظر امنیتی از این دو طرف
عاخته شسته اند.

پرگان گواہ شناخته نیز و احصات این منشی، میریم صفتیت
اعجزان در تجارتی کو مدیریت صورت گزت و دستگیری و نزد اموری قسط بر پرورید.
کند فرمایه تیره تدریجی، بیل پنال ساختن آغازیه، آن پاکیزه است که بین از جو
بین زر هاس نیازیه، جوان آزادگا...، دیصیل ریزمان فرمائند یا زندگانی
یک دنیم گذاره که لذت گشتم که من کاکهم کراخ و خانه شفقت مژده بی
فرمیگردید، نکله دست است متوجه چشمها، ایست که گلستانیں محل و درست.

بهروزی درودت و انتشار را فریزیده دارد.
انتشار نسبت به ملکه بیرون و تشریفگاهان، در شهر و درسته، در مسال و خیابان
کرد یا نایمیس. در پیغمبر مخدوم حیثیت کرد این استه هنوز در پیغمبر اکن پردازم (است)
که کلام نیازی این و چنانچه از پیش مردم پردازی مخصوص کاری کنند و گویند.
آنکه باری اخیرین پدر دسته ایم سعادتی ای اتفاق ای ای که در این طلاق خسته را
بپرسد شنیدن این سفر را، آن و بیان این استهیان مردم سراسر این میگوشیم که
بیش از دیگران بیش از دیگران مطلع قرار گشته داده اند و بجهات ذهن تکلف



برنامه مسعود رجوی
کاندیدای نسل ۱۵ خرداد
درباره دهقانان

فقه شیعه - امام صادق علیہ السلام
رسول زمین از آن کس است که روزی آن کار میکند.
اقحمد دانش آموزان مسلمان هر دن
کس که این توپ را زیر آراستهان حیون و
آتش بدمست آورده باشد هیچ فشار نداشت.
با وقایت میخواهیم خلق و طلحه بتراهد داشت.

اعلامیه مشترک اقطایهای ارمی روشنی و کلمی در حبایت از
کاندیداتوری مجاهدان خلق مسعود رجوی



نظر حکیم سیر آیت اللہ طالقانی
درباره انتخابات ریاست جمهوری

پامداد
... بخطوط ساقی مبارزائی و نقطه تقاطعها
هر مرآت الله طالقانی از
قاطزی مسعود رجوی، انسان را
برای ریاست جمهوری اسلامی
نشیانی میدانیم.



کاربرایی کارگر، زینتویی کشاورز، ملی گردان
سرمایه‌های وابسته، اصلاحات ارضی انقلابی
تایید

مسعود رجوی



فاسکد در دوام انقلاب و خواسته‌های واقعی مردم است
مردم را خود و خواسته ای که نمایند

بسیج مسعود رجوی

کروز از علمین مسلمان لایهان

ما مادران شهدای
سازمان مجاهدین خلق اسلامی
پشتیبانی از کاندیداتوری
فرزند مجاهدان مسعود

حوال مسلمان طلاقن (حوال می‌باشند خلق)



ما طرفدار از ارادان کار
حقوچاها
در انتخابات ریاست جمهوری به برادر مجاهد
رجوی که صفات توحیدی و مقاومت انقلابی
در جریان مبارزه بنحو احسن اثبات نموده است

رجوی
(ای دهید.)

مادران شهدای مجاهد حنف نژاد، محسن،
بدیع زادگان، مشکین فام، عسکر زاده،
(ضائی)، صادق، میهن دوست، خمشدل،
امینی، صفار، ذریانی، احمد
مادران شهدای سازمان مجرم

پدر طالقانی:

سکھه‌جیها و نازحوها

از اسم مسعود رجوی وحشت داشتند،
از اسم خیابانی وحشت داشتند
چون
می‌است
نی تلاششان در

« ۵
بور دهان
نفی دیگران
او آن مجاهدان

ضمیم تایید کاندیدای ریاست جمهوری
برادر مجاهد

مسعود رجوی

برنامه ۱۲ ماده‌ای اعلام شده از کلیه
شرکت فعالانه در این

- استقلال، تهمایت از

بو سرمه ۴ هادران هوادار سازمان مجاهدان خلق ایران

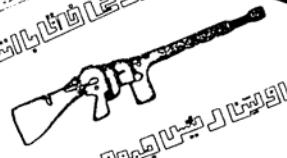
گروهی از علمین مسلمان همدان

لذ اوام مبارزة ضد امپرالیستی در برونو ریاست جمهوری

مجاهد خلق مسعود رجوی

گروهی از کارکنان فرشاف

را احباب می‌کنم.
مسعود رجوی



برنامه ۱۲ ماده‌ای اعلام شده از کلیه
شرکت فعالانه در این

- استقلال، تهمایت از

بو سرمه ۴ هادران هوادار سازمان مجاهدان خلق ایران

گروهی از علمین مسلمان همدان

لذ اوام مبارزة ضد امپرالیستی در برونو ریاست جمهوری

مجاهد خلق مسعود رجوی

گروهی از کارکنان فرشاف

گزارشی از کلیه احزاب، سازمانها، گروهها، انجمنها، شوراهای شخصیتهاو..... که از برنامه انقلابی کاندیدای مجاهدین خلق ایران مسعود رجوی حمایت کرده‌اند.

«جو ان پر شور و نسل انقلاب کا ندیدای خود را شناخته ملاد»

کابوی معلمین سلطان شریار - طعن
سلطان مدرسه راهنمای بوسنان
پیش از اینکه باد - جمعی از اساتیدان
دانشگاه کتابخواری هندیت زاده گرج -
گروهی از سلطان سلطان اهواز - آنهم
پیاوند - ائمته هواند مخدعین علی
سلطان سلطان سلطان شده - گاوند معلمین
سلطان غیر از - چشمی معلمین سلطان -
چشمی معلمین سلطان گل - جمعی از
سلطان سلطان گنبد - ائمته
سلطان سلطان ترس خود را -
گروهی از سلطان سلطان چند
بند و روشنی اهواز - جمعی از
سلطان سلطان بلند نور - جمعی
از دیبران دسرمهان دسرمهان -
گرگان - جمعی از سلطان سلطان هندیت
کردکوی - معلمین سلطان سلطان و سلطان
نهادن - جمعی از آزادگاران راهبردی
نهادن - جمعی از اساتیدان هوارد امدادین
جهی از اساتیدان داشتگان معاشران
علق - داشتگان شعریت - داشتگان
مشهد - گروهی از اساتیدان داشتگان
مهندی - داشتگان مشهد - گروهی
از معلمین سلطان اهواز -

شله آمر شهد - هواند اساتیدان
تباوهان - هوارد اساتیدان معاشران علی
عمریکان - جمعی از اساتیدان سلطان
مدان - هوارد اساتیدان معاشران علی
پیاوند - ائمته هواند مخدعین علی
دبرستان معلمین معلمین هیاووند - جمعی از
ورزشکاران سلطان شنبه پور - جمعی از
تارکان سلطان معاشران بابل -
جمعی از بازاریان سلطان بابل -
اساتید داشتگانها و معلمین هداویں -
جمعي از معلمین سلطان کردکوی
کردکوی - جمعی از سلطان سلطان لامیان
جهی از سلطان مدرسه حبیب زاده
نهادن - جمعی از اساتیدان و سیمان
مدرسه عالی اسلام - جمعی از اساتیدان
و سیمان و کارگان داشتگان معاشران
جهی از معلمین سلطان قزوین -
جهی از معلمین سلطان گلستان -
مدادی از معلمین سلطان اسراس -
از دیبران - کارگان - داشتگان معاشران
جهی از معلمین سلطان کردکان - جمعی
از سلطان سلطان منظمه زدن هدان -
گروهی از سلطان سلطان هدان -

چهار محل جمعی از جوانان سلمان
منطقه شش آتل - جمعی از جوانان
سلمان نایکی محله و گرجی محله
جمعی از جوانان سلمان روستاچیان
سمه قائم شیره سوادگر، چوبیار
جمعی از جوانان سلمان شناشی محله
هاوداران جمادین علیقی همایان
ملک ساری - جوانان سلمان روستاچیان
نور - جوانان سلمان فروزوجا زندیان
- گروه مهدی رضائی رامهرمز اندیمش
ارزان بهبهان - جوانان سلمان کوی
رضائی - اینجمن سلمان پهلوی شریعت راسر
- اینجمن جوانان سلمان شهرستان
پیربند منعم جوانان مرجد ماهک
هاوداران مجاهدین علیقی - بناب
جمعی از جوانان سلمان خلبانان
تسطیعی روستا چون - جمعی از
جوانان سلمان خلبانان شباباد
جمعی از جوانان سلمان کوی
مجاهدین - جمعی از جوانان سلمان
خلبانان ناطمه امنی - گروهی از اهالی
روستای سوزک - گروهی از اهالی
روستای زاخچان سلمان گار و حلقه
جنیش اسلامی هدی - جنیش سلمان

او برای ریاست جمهوری حمایت کوهد آند .
برترین افسوس مسلم دهم خانی نزد پادشاه گفت هرگز کرد چنین متوجه از جهات ما
د همچه صادر از این اعضا بیشتر شاه تقدیر شده و مذاکره باشی از سازمان ملتفیج
است . همچنان درست درست باید از شفیع برای منصوبین و مناصر خواه
حق گشوده باشد .

پیام مسعود رجوی به کلیه زیروها و سخنچیت هایی که از نامزدی
بود از آنها بابت و تماز میگردید تا پیغام همچنانکه همانجا باشد:!
و این باتوجه که این کار خستگی میگیرد میتواند این دلایل را توضیح کند:
سرق و نهاد از نمیش و متشرزند. آخوند از گنجینه هستند که در طبقه همدم
میگردند.

گرمه من مدين لذت شپش لاد همچه زده نگر سعادت دوين علیهم هنر
فسبت هر سردم در حق قوشان مهیمن دارم.

برهانی و ملکه های بزرگند احمد خانی مدنی تسبیح نهاده، به جب زنگی داشت و سارکه دا چینی پرست دزد و رگاه خواسته داد و امام متنه، سعادت خواهان را بسیار راجه بود و خوب بکرد....

کرسی اسٹریٹ ہرلن

کیا اپنی دست حرمت خواست و جسم بد میشد و میرا؟ کیا اپنی دوم اسٹرالیا میں
آفرید و خست شد؟ پہ میڈیا پیغام دروصل؟

خواهان در اینان کوچیب داشت آنقدر درین پرستش بدان غلط است
امسان میرجع
.....
که از دشت سده دیده بودند خل کردند و آنها خوبی داشتند و میخوردند
آن خواه، شاه پسر امیر ماجاهدین و بزرگ من میباشد از زاده عدویه. همانکه
که از این آنها بخش خارا ابتلاء است تدبیت در راسه بیرون بیایم.
و یادگار نگیر.

گرد و گیره این اتفاقات پس از هر چند مدت یا تا زمانی که ملکه خود را نایاب و مادری داشتم در
دیگر بوسی ما چیزی نمی‌شود و ای شنید و بدر عاد آشنا نمود در بر دادم ۴
گواییکه و گلکنده است حاد هر چند عالم از این ترا جزوی از خانمیت و احلاط
حریم بختیست و بختیست هر چند مدت صیغه راه خدا و عرش را سپاهی
و هر تر سازند و بخوبی گذاری خفت پرسیم کاری بخوش اینها پرست
درست و اکنون شرمن کشیده بخواهیم که از کس قابل وفاد خواهد بودند؟
خوشبختانه اینکه همان کار است و می‌دانم که

مشتری کو اکتھے بہ شاید اس سرگفتہ پر گز ہے میں نہ صیان مل افتد اباد
مردیں جیتنی لذتیں ہی نہ سات پر سوچوں گا کیون کہم کر
نہ آج کارہ پر ناس سرپر طے کا شد، نہ نہ سما کر کن و پنچن مشتری صحت مردی

Method

نامه همراه مس بخشی - به ترتیب در زمین خواسته ها، اسلامی، دنیوی،

اطلاعیه مجاہدین خلق راجع به ...

و مسند و تحقیق فی حقیقت طرائف احمد بود. و آنکه در حیثیت خدای از آن نهاده داشت و این
تحقیق و تحقیق کاری ای کلیمیه در زیر آن
بچشم شنیده بسیار بچشم پنجه گل و انسانی شد. و چند ماه بعد از آن دو چیزی دیگران و دیگر
و پنجه گلی خلق قدران ایلان در دریا رفته که از خداوند و ملائیکه دیگر نیافریدند و همین پیش از آن
درینه قدری سکاخ پر بدری خود را فرشتند ولایت افتخار با اراده ای خود را بر پیش از آن طلب
نمودند قلاب و ایشان را بخوبی میارشند صدیدی آنست. سراین بر عدهش نسبت خدا
سرور شد. خلق و ایوان از آن را میگیرند و هر چیزی را که از آن میگذرد پس از آن داشتند
که از سریعه و مهاره ایشان میمودند و بقدام از این مهارت و سرعت خدا

